



و کمونیسم کرد، برای همیشه در خاطره زحمتکشان ایران - مبارزان راه آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی، صلح و سوسیالیسم باقی خواهد ماند.
کمیته مرکزی حزب توده ایران
۱۱ مارس ۱۹۸۵

پیام تسلیت به کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی

رفقای عزیز،

کمیته مرکزی حزب توده ایران درگذشت رفیق کنستانتین چرنکو، دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و رییس شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، انقلابی برجسته و شخصیت بزرگ نهضت کمونیستی و کارگری جهان را به شما و همه مردم اتحاد شوروی تسلیت می گوید.

رفیق کنستانتین چرنکو مبارزی پیگیر و خستگی ناپذیر در راه سعادت انسان و پیروزی سوسیالیسم بود. دفاع از صلح و امنیت خلقها و برطرف ساختن خطر فزاینده جنگ هسته ای که موجودیت جامعه بشری را تهدید می کند و همچنین همکاری و همزیستی مسالمت آمیز بین دولتهای دارای نظامهای اجتماعی-اقتصادی گوناگون و مقاومت قاطع در مقابل هرگونه دسایس امپریالیسم تجاوزکار با نام رفیق چرنکو پیوند ناگسستنی دارد. بشریت مترقی هیچگاه این تلاشها و خدمات ارزنده وی را به مردم سراسر جهان فراموش نخواهد کرد.

رفیق چرنکو بنیاد یک انقلابی انترناسیونالیست و پرشور که سراسر زندگی ثمربخش خود را وقف سعادت توده های زحمتکش، آزادی خلقهای در بند امپریالیسم و پیروزی آرمانهای جهانشمول سوسیالیسم



ادگان مرکزی حزب توده ایران
دوره هشتم / سال اول / شماره ۴۱
پنجشنبه ۲۳ اسفند ۱۳۶۳
هماه: ۲۰ ریال

پیکار متحد و یکپارچه، تنهاراه پایان دادن به جنگ

رژیمهای ایران و عراق، از نو بمباران مردم بی دفاع شهرهای دو کشور را آغاز کرده اند. دیگر بار موشکها بر مناطق مسکونی و مراکز بزرگ صنعتی، تولیدی فرو می ریزد. تنها در شهرهای مرزی بمباران شده و مورد اصابت موشکها قرار گرفته میهن ما صدها تن کشته و چند برابر آن زخمی بجای مانده است. در عراق هم وضع جز این نیست. مرد و رژیم در پشت جبهه های جنگ بجان زنان و کودکان و پیران بیدفاع افتاده اند و از کشته پشته میسازند. علاوه بر کشتار مردم بیگناه و مجروح شدن هزاران انسان بی پناه، صدها میلیون دلار بر میزان خسارات مادی محرومان و زحمتکشان کشور افزوده می شود. باز هم خیل دامن گستر آوارگان جنگی و بی خانمان افزونی می یابد و لبخند رضایت بر چهره کریمه امپریالیستها، بویژه انحصارات بزرگ اسلحه سازی آمریکایی می نشیند.

سران رژیم ج.ا. بی توجه به پادرمیانیها و توصیه های مکرر سران کشورهای غیرمتعهد، همچنین پیشنهادهای مشخص کشورهای سوسیالیستی و شخصیتهای برجسته و معتبر جهانی در جهت پایان دادن به جنگ و نشستن پای میز مذاکره برای حل مسایل فیما بین و دست یافتن به صلح عادلانه، به نفع مردم هر دو کشور، همچنان بر طبل هستی سوز و خانمان برانداز جنگ می کوبند. در حالی که موج ناراضی در سراسر کشور گسترش یافته و توده های وسیع و خشمگین کارگران، دهقانان، کارمندان و دیگر اقشار زحمتکش، که دچار خسارتهای جانی و مالی جبران ناپذیری شده اند، همگی خواستار قطع فوری جنگ و صلح عادلانه از طریق مذاکره اند. دیگر بار شیوهرای ادامه جنگ، بمباران و موشک اندازی به صدا درآمده اند.
بقیه در صفحه ۷

به رفیق میخائیل سرگیویچ گارباچف دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی

رفیق گرامی،
بنام کمیته مرکزی حزب توده ایران و کمونیستهای ایران گزینش شمارا به مقام دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی صمیمانه تبریک می گوئیم.
زحمتکشان ایران برای شما، بنیاد مارکسیست، ادامه دهنده امر لنین، انترناسیونالیست صدیق و مبارز راه امنیت خلقها و علیه تهدید جنگ هسته ای احترام فراوان قائلند.
ما به همبستگی انترناسیونالیستی حزب کبیر

لنین با حزب توده ایران ارج فوق العاده می گذاریم و بشما اطمینان می دهیم که در آینده نیز در تحکیم مناسبات برادرانه با حزب کمونیست اتحاد شوروی کوشا خواهیم بود.
رفیق عزیز گارباچف، ما سلامتی و موفقیت های بزرگی را برای شما در فعالیت ثمربخشان در راه سعادت مردم شوروی و همه بشریت، صلح و ترقی آرزو مندیم.
کمیته مرکزی حزب توده ایران
۱۲ مارس ۱۹۸۵

از زندگی نامه

رفیق میخائیل سرگیویچ گارباچف

رفیق گارباچف در دوم مارس سال ۱۹۲۱ در دهی واقع در منطقه استاوروپل در یک خانواده روستائی زاده شده است.
او در سال ۱۹۵۲ به عضویت حزب کمونیست اتحاد شوروی درآمد. در سال ۱۹۵۵ دانشکده حقوق دانشگاه مسکو بنام لومونوسف را به پایان رسانید و در سال ۱۹۶۷ فارغ التحصیل رشته اقتصاد علمی کشاورزی از انستیتوی علوم کشاورزی شهر استاوروپل گردید.

میخائیل گارباچف از سال ۱۹۵۵ مسئولیتهای گوناگونی را در اتحاد کمونیستی جوانان (کامسومل) و حزب بعهده گرفت. نخست مدتی دبیر اول کمیته شهری کامسومل بود و سپس دبیر اول کمیته منطقه کامسومل در استاوروپل گردید.



در سپتامبر سال ۱۹۶۶ رفیق گارباچف دبیر اول کمیته حزبی شهر استاوروپل شد و سپس در سال ۱۹۷۰ به مقام دبیر اول حزب در منطقه استاوروپل ارتقا یافت.
بقیه در صفحه ۲

وحدت عمل برای نجات جان زندانیان سیاسی، وظیفه عاجل
نیروهای دمکراتیک و مترقی است!

از زندگینامه

رفیق میخائیل سرکیویچ گارباچف

بقیه از صفحه ۱

میخائیل گارباچف از سال ۱۹۷۱ عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی است و بعنوان نماینده در کنفرانس های بیست و دوم، بیست و چهارم، بیست و پنجم و بیست و ششم حزب شرکت جسته است. او در سال ۱۹۷۸ دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی گردید و در سال ۱۹۷۸ بعنوان نامزد عضویت پولیت بوروی حزب برگزیده شد. از اکتبر سال ۱۹۸۰ رفیق گارباچف عضو پولیت بوروی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی است.

میخائیل گارباچف یکی از کادرهای برجسته حزب کمونیست و دولت اتحاد شوروی می باشد. در تمام ماموریت هائی که بعده او گذاشته شده، با نیروی ابتکار، انرژی و از خودگذشتگی ویژه خویش و بر پایه تجربیات غنی و استعداد سازماندهی کار را به بهترین وجه ممکن انجام داده است.

رفیق گارباچف بخاطر خدمات درخشان و ارزنده خود به حزب کمونیست و دولت اتحاد شوروی، تابلال به دریافت سه نشان لنین، نشان انقلاب اکتبر و نشانهای متعدد دیگر مفتخر شده است.

بسیاری از خانواده های "حزب الهی" دیگر از حکومت دفاع نمی کنند. بعضی ها می گویند که ج.ا. جمهوری مستضعفان نیست. "آقا" دست وبال سرمایه دارها را به کلی بازگذاشته است. دارند مردم را می چاپند.

در دبیرستانهای شیراز، دانش آموزان اعضای انجمنهای اسلامی را "بایکوت" کرده اند. به محض اینکه یکی از آنها به جمع چند نفری دانش آموزان نزدیک می شود، جمع فوری متفرق می شود. حتی در ساعت های ورزش، اعضای انجمن های اسلامی که کاملاً منفرد و منزوی شده اند در گوشه ای کز کرده و از شرکت در جمع خودداری می کنند.

"خواهران" مامور گشت در شیراز دو نفر از دختران را در حال صحبت کردن با پسری می بینند و دستگیر می کنند. قراز می شود که برای عبرت دختران دبیرستانی، دستگیر شدگان را در تمام دبیرستانهای دخترانه شلاق بزنند. در یکی از دبیرستانها، به محض این که بساط شلاق زدن پهن می شود، گروهی از دختران با چشماهای اشک آلود به مامورین (که از "خواهران") بودند حمله ور شده و کتک مفصلی به آنها زدند. پاسدارها دخالت کردند و با قنداق تفنگ به جان دخترها افتادند و "خواهران" را نجات دادند. روز بعد استاندار به دبیرستان آمد و قول داد که دیگر چنین حوادثی تکرار نشود.

خوانندگان عزیز!

به این نشانی با ما مکاتبه کنید:

P. B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden

"لایحه حدود و شیوه فعالیت تولیدی بخش خصوصی" گام جدیدی برای تسریع احیاء نظام سرمایه داری وابسته

بیشتری یافت.

چه کسانی در صدور "فرمان" خمینی مؤثر بودند و منظور وی از "مردم" که امور اقتصادی و بازرگانی و خدمات می باید به دست آنها سپرده شود، چه کسانی هستند؟
بهزاد نبوی در تفسیر "فرمان" خمینی گفت، نظر وی "همانطور که از پیامشان مشهود است به کارگیری هر چه بیشتر مردم در تمام ابعاد اداری مملکت از جمله در بعد اقتصادی، تولیدی، صنعت و بازرگانی است". او اصرار داشت ثابت کند که نظر خمینی از "مردم" یک قشر خاص مرفه برگزیده نیست، بهزاد نبوی سپس در

بقیه در صفحه ۴

روی تپه ها و اسلحه های به زمین افتاده به شکل چپه های جنگ بازسازی کرده بودند و بدین ترتیب می خواستند مردم را با وضع چپه و مناطق جنگی آشنا کنند. اما در طول یک هفته بیش از ده، بیست نفر وارد این چادرها نشدند. مردم مسخره می کردند.

- بحث سیاسی در مغازه ها، آرایشگاهها و مکانهای عمومی ممنوع اعلام شده است. همه جا تابلوی، "بحث سیاسی ممنوع" به چشم می خورد، اما در تاکسی ها و اتوبوسها بحث وجود دارد. مردم ابراز نارضایی می کنند. تاکسی ها آخوندها را سوار نمی کنند و جوانان به زنان و مردان "حزب الهی" فحش می دهند.

- در یک کارخانه ملامین سازی، ظرفهای ملامین می بایست به نرخ دولتی فروخته میشد. صاحب کارخانه ظرفها را بطور پنهانی در بازار آزاد می فروخت. خبر به گوش مقامات رسید. هیئتی برای رسیدگی راهی شیراز شد و غائله با پرداخت مقداری رشوه ناکابل حل شد.

- دردی نزدیکی شیراز، با چند زن روستایی صحبت کردم. می گفتند برق نداریم. جاده درستی نداریم که بتوانیم برای تامین مایحتاج خود در شیراز رفت و آمد کنیم. دسترسی به دارو و پزشک غیر ممکن است. هر خانواده برای گرفتن انشعاب برق پاییده هزار تومان بپردازد تا برادران جهاد دست بکار شوند. مردم پول ندارند و در نتیجه بی برق مانده اند. در روستاهای شیراز عوامل رژیم می کوشند که با سوء استفاده از تعصبات مذهبی مردم جوانها را برای رفتن به جبهه تشویق کنند و انجام هرکاری را به نفع روستائیان به بعد از پایان جنگ و ا می گذارند.

- یک روز در هفته مدارس شیراز تعطیل می شود. در این روز زیر پوشش "طرح کاد" بخصوص دختران دبیرستانی را وادار می کنند تا برای پاسدارها پولوور بیاورند. پسرها را به خیابانها می فرستند تا نقش ماموران راهنمایی را بازی کنند. روی بازوبندهای این ماموران نوشته است: طرح کاد.

مجلس شورای اسلامی کلیات "لایحه حدود و شیوه فعالیت تولیدی بخش خصوصی" را تصویب کرد. این لایحه که بدون تردید بزودی شکل قانونی خواهد گرفت، هم ماهیت ضد خلقی سران رژیم و ژرفای خیانت آنان به آماجهای مردمی انقلاب و هم ماهیت آنچه را که آقایان به نام "نظام اقتصاد اسلامی" عرضه می دارند، بیش از پیش فاش می کند.
پس از فرمان خمینی (۴ شهریور ۶۲) دایر بر "سپردن کار مردم به دست مردم" و به دنبال آن صدور بخشنامه نخست وزیر رژیم در اجرای این "فرمان" که بدون تصویب مجلس شورای اسلامی فاقد پایه قانونی بود، احیاء نظام سرمایه داری وابسته حاکم در دوران شاه، شتاب

به مامی نویسند

خبرهایی از باختران

پرداخت حقوق اعضای بسیج در باختران سه ماه به عقب افتاده است. خانواده های بسیجی ها در مقابل ساختمان بسیج اجتماع کردند و سرانجام توانستند دو ماه از حقوق عقب افتاده را دریافت کنند.

- به بیمارستانهای استان باختران بخشنامه شده است که بوجه خودشان را تامین کنند. اگر بیمارستانی کسر بیاورد تعطیل میشود. هیچ بیمارستانی نباید مریض را بطور مجانی بپذیرد. طبق تعرفه، حق بیمه برای پزشکان عادی ۲۰۰ تومان و برای پزشکان متخصص ۴۰۰ تومان است.

در زندان عادی کرمان

در زندان عادی کرمان، برای زندانیان پولدار، بخصوص قاچاقچیان، همه چیز، از سیگار وینستون تا چلوکباب فراهم است. ولی وضع زندانیان بی پول طور دیگری است؛ محیط آلوده، و انواع بیماری های پوستی، کمبود مواد غذایی، رماتیسم و ناراحتی معده و بد رفتاری زندانبانان.

مشاهداتی در شیراز

- یک روز پنجشنبه، تشییع جنازه کشته شدگان جنگ بود. باورم نمی شد که برای تشییع جنازه فقط حدود ۲۰۰ نفر جمع شده باشند. تا سال قبل در تشییع جنازه هر شهید جنگ بیش از دو هزار نفر شرکت می کردند. مردم از جنگ خسته و صعبانی اند.

- در خیابان زند شیراز، نیمی از خیابان را عکس شهدای جنگ پر کرده بود. چادرهای مختلفی برپا شده بود. روی میز انواع کتابهای "اسلامی" یافت می شد. بعضی از چادرها را با چوب و گل و سنگ و غیره و قطره های خون

درسیاها چالها چه می گذرد؟

نامه‌های خانواده‌های زندانیان توده‌ای و اکثریتی به منتظری

گروهی از خانواده‌های زندانیان سیاسی توده‌ای و اکثریتی، طی نامه‌هایی خطاب به منتظری، خواستار رسیدگی به وضع عزیزان خود شده‌اند. در یکی از نامه‌ها آمده است: "نزدیک به دو سال است که عزیزان ما در زندانهای حکومت اسلامی بلا تکلیف بسر می‌برند. در این مدت ما خانواده‌ها به هر مرجعی که مراجعه کردیم جواب سر بالا دادند. وقتی ماده ۲۶ قانون اساسی را تذکر می‌دهیم که "یک متهم باید در عرض ۴۸ ساعت تعیین تکلیف شود" در جواب می‌گویند، این قانون شامل زندانیان سیاسی نمی‌شود... آیا این درست است؟ اگر چنین بود بهتر بود که اول می‌گفتید تا بدانیم به چه قانونی رای می‌دهیم... ما مادران زندانیان تا کی باید شاهد اشک نوه هامان باشیم که سراغ پدران و مادران را می‌گیرند و شاهد آه و ناله زنده‌های جوان که هر لحظه منتظر آمدن همسرانشان هستند. تا کی باید در این شرایط سخت اقتصادی و اجتماعی منتظر باشیم؟"

خانواده‌های زندانیان طی نامه دیگری نوشته‌اند که این زندانیان "نزدیک به ۲ سال یا بیشتر است که بدون تعیین تکلیف و یا حتی روشن شدن جرم به دور از خانواده‌های خود بسر می‌برند... این بلا تکلیفی در شرایطی است که وضع بهداشت این زندانیان بسیار بد و آنطور که از ظاهر آنان مشخص است به انواع بیماری‌های جسمی و بیماری‌هایی که منجر به ضعف آنها میشود مبتلا هستند. همچنانکه مشاهده شده هر ۱۵ روز یکبار که فرزندان آنان تماس مستقیم با پدران و مادران خود دارند موجب سرایت و شیوع این بیماری‌ها گشته است...."

بسمه تعالی

حضور محترم حضرت آیت‌الله العظمی منتظری

بسیار عرض - نام ما خانواده‌های زندانیان آموزشگاه شهید کجوبی هستیم که به مدت نزدیک به دو سال و با بی‌تفاوتی بدون تعیین تکلیف و احق روشن شدن جرم به دور از خانواده‌های خود به سر می‌برند. حضرت آیت‌الله این بلا تکلیفی در شرایطی است که وضع

شماره ۴۱ - شماره ۲۲ اسفند ۱۳۶۲
 نامه‌های خانواده‌های زندانیان توده‌ای و اکثریتی
 در عرض ۴۸ ساعت
 در این مدت ما خانواده‌ها به هر مرجعی که مراجعه کردیم جواب سر بالا دادند.
 وقتی ماده ۲۶ قانون اساسی را تذکر می‌دهیم که "یک متهم باید در عرض ۴۸ ساعت تعیین تکلیف شود" در جواب می‌گویند، این قانون شامل زندانیان سیاسی نمی‌شود... آیا این درست است؟ اگر چنین بود بهتر بود که اول می‌گفتید تا بدانیم به چه قانونی رای می‌دهیم... ما مادران زندانیان تا کی باید شاهد اشک نوه هامان باشیم که سراغ پدران و مادران را می‌گیرند و شاهد آه و ناله زنده‌های جوان که هر لحظه منتظر آمدن همسرانشان هستند. تا کی باید در این شرایط سخت اقتصادی و اجتماعی منتظر باشیم؟"

خلاصه‌ای از یک گزارش درباره زندانهای تبریز

در تبریز ۲۶ نفر از توده‌ای‌ها به بیش از ۲۰۰ سال زندان محکوم شدند

چشمها بطور مداوم بسته بود و این شدیدترین نوع شکنجه روانی بود. بسته بودن چشمها آدمی را عجیب دچار اختلالات روانی می‌کند. اگر امید به زنده ماندن و ادامه مبارزه نبود ای بسا که آدمی دچار جنون می‌شد. بسته بودن چشمها بهانه‌ای بود تا پاسدارها بهانه‌ای برای آزار زندانیان داشته باشند. چرا شل کردی؟ چرا محکم بستنی؟ چرا زیرچشمی نگاه کردی؟ چرا حرف زد؟... و اینگونه چراها که مثل پتک گرانی بر سر زندانی فرود می‌آمد...

هر نوع تماس و حرف زدن قذف بود. چنان حالت روانی ایجاد کرده بودند که هر کس مرگ

پس از یورش وحشیانه عوامل سرکوب و اختناق به حزب توده ایران، زندانیان توده‌ای به تنایب در بازداشتگاهها در زندانهای مختلف، از "ستاد سپاه"، "منظریه"، "خوان" زیرزمین ساختمانی در جاده "اثل کلی" منحل ستاد سپاه (ساواک سابق) و زندان تبریز به بند کشیده شدند...

در "خوان" حدود ۱۵۰ نفر توده‌ای زندانی بودند، به اضافه این که تعدادی در مرکز سپاه و در "کمیته مرکزی" و غیره در بند بودند...

از آغاز دستگیری و انتقال به "ستادسپاه"، "خوان"، "اثل کلی"، "منظریه" حدود شش ماه

را در یک قدمی خود می‌دید. می‌خواستند به ما القاء کنند که گویی برای زنده ماندن روزنای بیش وجود ندارد؛ تسلیم در برابرخواست بازجوها و مثل آهک باژ شدن. اما کور خوانده بودند... عملاً فشار می‌کشیدند که آگاهانه بر جود لهره و وحشت در زندان بیفزایند. چشمها بسته بود و ناکهان صدای رگبارهای مسلسل بر می‌خواست. دیری نمی‌گذشت که پیچیده نگهبانان و بازجوها در زندان می‌پیچید. پله، اعدام شدند...

بازجوها و نگهبانان، عقده‌ای‌ترین و ضدتوده‌ای‌ترین اشخاص بودند. باستثنای تعدادی از آنها که چند ماهی در زندان خدمت موقت می‌کردند. تقریباً بدون استثنا به نگهبانها و پاسدارها تلقین شده بود که توده‌ای‌ها آدمهای بسیار خطرناکی هستند. بیشترشان در شوری دوره دیده‌اند و اگر سپاه یک روز دیرتر به خود می‌چینید آنها کودتای می‌کردند و کشور را دودستی تقدیم شوری می‌کردند. حتی بعدها که زمین صحبت با بعضی از آنها باز شد، می‌گفتند: شما خودتان نمی‌دانستید، اما چنین و چنان بود. پاسدارها دستور داشتند که با ما هیچ تماس نگیرند، به ما چیزی ندهند و از ما چیزی نگیرند و کوچکترین تخلف ما را گزارش کنند. بین آنها سه چهار نفر از ضدتوده‌ای‌ترینشان

آدمهای منحرفی بودند... بازجوها و نگهبانان هرکاری که دلشان می‌خواست می‌کردند. اجازه ندادن برای رفتن به دستشویی، سرپا نگهداشتن زندانی، زدن با سیلی و مشت و لگد، (یکی از رفقا را طوری زدند که بیضه‌اش پاره شد). چشم بند اضافی بستن، به سؤال کشیدن، در حمام آب سرد را باز کردن، زدن کلنگدن به قصد تیراندازی، اعدام مصنوعی، (یکی از رفقا را دز "منظریه" ظاهراً بقصد اعدام بردند و مسئول نگهبان از فاصله چند متری با کلت درست یک وجبی بالای سر او دیوار را سوراخ کرد). بیدار کردن زندانی در نیمه‌های شب به بهانه‌های مختلف. مثلاً می‌گفتند چرا چشم بندت شل شده؟ و یا چرا روی هم خوابیده‌اید؟ هنگام خواب و استراحت زندانیان تیراندازهای عجیب و غریب شروع می‌شد و وحشت سراپای زندان را فرا می‌گرفت. در "خوان" و "منظریه" بارها چنین مانورهایی دادند، بخصوص در روزهای اول دستگیری از این مانورها زیاد انجام می‌شد. آنها در عین مانور کردن به توده‌ای‌ها می‌گفتند: شما اعدامی هستید. همین روزها شما را می‌گذاریم کنار دیوار...

علاوه بر اینها، تعزیر هم می‌کردند. اجازه تعزیر را باید "حاکم شرع" می‌داد. بازجو متهم مورد نظر را نزد "حاکم شرع" می‌برد و حکم تعزیر می‌گرفت. گاهی نیز حکم تعزیر بدون بردن متهم نزد حاکم شرع، بطور غیابی صادر می‌شد. حکم تعزیر با شلاقهای مختلف و کابل توسط خود بازجو اجرا می‌شد. در اثر تعزیر ناخنهای بقیه در صفحه ۸

«لایحه حدود و شیوه فعالیت تولیدی بخش خصوصی»

بقیه از صفحه ۲

گام جدیدی برای تسریع احیاء نظام سرمایه داری وابسته

این مرحله بتواند در این جهت حرکت کند، که ضمن توجه به فعالیت‌هایی که در اصل ۴۴ قانون اساسی آمده است، این کارخانه‌ها را در وهله اول به کارگران و کارکنان آنها و بعد سهام آنها را با شرایطی به عموم مردم بفروشد... (همانجا).
اولا باید از نخست وزیر رژیم پرسید: در کجای اصل ۴۴ قانون اساسی فروش کارخانه‌های دولتی به بخش خصوصی توصیه شده است؟ میرحسین موسوی آشکارا دروغ می‌گوید. ثانیاً، کارگری که به نان شب محتاج است چگونه می‌تواند خریدار سهام کارخانه باشد؟ کارگران ایران مخالف فروش کارخانه‌های دولتی به کلان سرمایه داران هستند. مثلاً، کارگران کارخانه‌های شهر ری رسماً اعلام کردند که با فروش واحد و هزارتنی کارخانه سیمان شهر ری به بخش خصوصی مخالف اند (اطلاعات ۱۳۴۲، ۶۲).

در این مورد هم نظام جمهوری اسلامی پادرجای پای نظام شاهنشاهی می‌گذارد. رژیم تز "گسترش مالکیت واحدهای صنعتی" معروف به اصل سیزدهم "انقلاب سفید" به ارث رسیده از شاه را به موقع اجرا می‌گذارد.

وقتی آقای خاموشی در اجلاسیه فوق الذکر باخترا می‌گوید، "من نمیدانم این تز دولتی کردن یعنی چه؟" دانسته و فهمیده سخنان اسلاف خود را تکرار می‌کند. در سال ۱۳۴۵، محمد خسروشاهی رئیس وقت اتاق های بازرگانی ایران مشابه این نظر را در کنفرانس "توسعه اقتصادی" اصفهان مطرح ساخت و خواهان الغای انحصارات دولتی شد. در آن ایام "مجله فردوسی" در تفسیر سخنان وی، پس از اشاره به امتیازات زیادی که به اشکال گونه گون به بخش خصوصی داده شده بود، نوشت: "در دنیایی که دارد می‌رود به سوی سوسیالیسم و ملی کردن وسایل تولید". این حرفها آنها در کنفرانسی که داعیه اش "توسعه اقتصادی" مملکت است، کمی عجیب می‌نماید (فردوسی، ۱۳۴۵، ۱۰).

بدیهی است که امروز، پس از گذشت ۱۸ سال، چنین خواستی بمراتب عجیب تر است. ولی بهر تقدیر سران رژیم ج.ا. با تدوین "لایحه حدود و شیوه فعالیت تولیدی بخش خصوصی" تصمیم دارند، کشور مارا به همان سویی سوق دهند، که شاه در پیش گرفته بود.

فعالیت بخش خصوصی در صنعت

"لایحه حدود و شیوه فعالیت تولیدی بخش خصوصی" که به منظور پیاده کردن به اصطلاح "اقتصاد اسلامی" تهیه شده است، در واقع کلیه تدابیر حقوقی-سیاسی، اجتماعی، اعتباری و مالی دولت را در جهت احیاء تمرکز و تراکم سرمایه و تولید در دست کلان سرمایه داران قرار می‌دهد.

مثلاً، ماده ۷ لایحه، دولت را موظف می‌سازد تا

این گروه جدید بازرگانی-صنعتی-کشاورزی، همراه با خاموشی و یارانش و نیز دیگر سازمانهای یاد شده از مبتکرین "لایحه حدود و شیوه فعالیت تولیدی بخش خصوصی" نیز هستند، که می‌باید به "فرمان" خمینی شکل قانونی بدهد.

باید متذکر شد، که همین سازمانها اشاعه دهندگان شعارهای "دولت تاجر خوبی نیست" و "کار مردم را به دست مردم بسپارید" هستند. اینگونه شعارها در ایران تازگی ندارد. در سال ۱۳۳۵ که کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان در صدد قبضه کردن اهرمهای اقتصادی و مالا سیاسی کشور بودند، مبارزه با بخش دولتی را تحت این شعارها آغاز کردند. ۱۷ اردیبهشت ماه ۱۳۴۵ روزنامه "اراده آذربایجان" در پاسخ به آنها نوشت: "کسانیکه این عقیده را رواج می‌دهند که "دولت تاجر خوبی نیست" و تاجر خوب مثلاً آقای حبیب ثابت است، مبلغ این فکر هم هستند که دولت کارخانه دار خوبی نیست و باید کارخانه‌ها به "مردم" فروخته شود. تاریخ صنایع جوان ایران نشان میدهد که بهترین کارخانه‌ها را در ایران دولت تاسیس و اداره کرده است."

هیچده سال از آن تاریخ می‌گذرد و ما شاهد تجدید و تشدید همان روندی هستیم که در زمان شاه به ورشکست اقتصادی ایران منجر گردید. امروز نیز زیر پوشش "سپردن کار مردم به دست مردم"، کارخانه‌های دولتی به کلان سرمایه داران فروخته می‌شود و مبارزه با بخش دولتی سرلوحه برنامه "اتاق بازرگانی و صنایع معادن"، "سازمان اقتصادی اسلام" و غیره قرار می‌گیرد.

میرحسین موسوی نخست وزیر رژیم در سومین گزارش اقتصادی خود، فروش کارخانه‌های مصادره شده به بخش خصوصی را بمثابه یکی از دستاوردهای دولت عرضه کرد. او گفت: "این کارخانه‌های مصادره شده از افراد طاغوتی در اوایل انقلاب به دلیل فرار مدیرانشان دچار ورشکستگی بودند. دولت در این زمینه فعالیت کرد و آنها را به سودآوری رساند و به واحدهای زنده ای تبدیل کرد...". وی سپس افزود: "در جلسه شورای عالی صنایع، قرار شد سهامی که بطور قطعی متعلق به دولت است... با تمهیداتی به مردم فروخته شود" (اطلاعات، ۱۳۴۲، ۶۲).

تاریخ بار دیگر تکرار می‌شود. در دوران رژیم گذشته نیز کارخانه‌های سودآور دولتی درست تحت شعار "سپردن کار مردم به دست مردم" به کلان سرمایه داران واگذار می‌شد. میرحسین موسوی برای پرده پوشی این خیانت آشکار به مصالح ملی می‌گوید: "طبیعی است که دولت در

ادامه سخن، اظهار داشت: "... ممکن است از ما بخواهند و بگویند حالا که اینطور شده مثلاً خیامی را خبر کنید چون ایشان هم در حال حاضر جزو مردم هستند، کارخانه ایران خودرو را به ایشان تحویل بدهیم یا هژبر یزدانی را خبر کنیم و اموالش را پس بدهیم". او، می‌کوشید تا بقبولاند که چنین استنباطی از فرمان خمینی نادرست است (جمهوری اسلامی، ۱۳/۱/۶۲).
اما گذشت زمان ثابت کرد که استنباط مردم از "فرمان" خمینی و پخشنامه دولت و بویژه "لایحه حدود و شیوه فعالیت تولیدی بخش خصوصی" درست بوده و هدف واگذاری کار مردم به دست کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان است.

"فرمان" خمینی بازتاب خواست سازمانهایی چون "اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران" به رهبری خاموشی سرمایه دار "مسلمان متعهد"، "سازمان اقتصادی اسلام"، "سازمان مدیریت صنعتی"، سازمان حجتیه و غیره است. این سازمانها که مجموعاً اهرمهای اقتصادی و مالی کشور را در موسسات و نهادهای دولتی قبضه کرده اند، چنان قدرتی بهم زده اند، که خواسته‌های خود را به رژیم دیکته می‌کنند.

علینقی خاموشی، هنوز خیلی پیش از صدور "فرمان"، در اجلاسیه هیئت رئیس و مسئولان اتاقهای بازرگانی و صنایع و معادن کشور (۱۸-۲۰ مرداد ۶۲) در باخترا، مضمون "فرمان" خمینی را چنین فرموله کرد: "من می‌خواهم هشدار بدهم که مسئولین مواظب باشید در اتخاذ تصمیم‌ها، در اتخاذ روشها، کاری نکنیم که پادست خود کار را بدتر کنیم و خود زمینه ساز در خود فرورفتن باشیم". پس از این تهدید، او دو نکته را در زمینه‌های تولید کشاورزی و تولید صنعتی مطرح ساخت، "یکی راه انداختن واحدهای موجود و حداکثر استفاده از واحدهای موجود و گسترش واحدهای موجود. دوم، زمینه سازی برای سرمایه گذارهای جدید تا این رشد سرمایه گذاری و رشد تولید ناخالص ملی با اهداف ما مطابقت بکند..." (هفته نامه اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران، شماره ۹، ۲۱ شهریور ۶۲).

"سازمان اقتصادی اسلام" که یکی از بزرگترین شرکت‌های سهامی تشکیل شده پس از انقلاب است، هم اکنون بخش مهمی از بازرگانی خارجی و توزیع و قیمت گذاری کالاهای وارداتی را بعهده دارد. افزون بر این، سازمان یاد شده که کلان سرمایه داران بازار سهام آنرا بین خود تقسیم کرده اند، تعداد زیادی از کارخانه‌های ملی شده و نیز موسسات زراعی و دامداری مصادره شده را به قیمت ارزان از دولت خریداری کرده است. نمایندگان این سازمان در حزب حاکم جمهوری اسلامی و اکثر نهادهای اقتصادی و مالی رسوخ کرده اند و نقش مهمی در صدور "فرمان" خمینی ایفا نمودند.

«لایحه حدود و شیوه فعالیت تولیدی بخش خصوصی» گام جدیدی برای تسریع احیاء نظام سرمایه داری وابسته

ساختمانی تقسیم و سهم هریک را نیز تعیین می‌کند. در بند "الف" ماده ۴ گفته می‌شود که "نیروی انسانی استحقاق دریافت اجرت نقدی و جنسی برطبق قرارداد منعقد را دارد... چنانچه ضمن قرارداد شرط شود که مقدار معینی از سود حاصل به کارگر تعلق می‌گیرد، این شرط لازم الاجراست".

این بند، حق کارگر را فقط به دستمزد که آنها طبق صلاحدید کارفرمایان تعیین می‌شود، محدود می‌کند و مسئله سهم کارگر از سود کارگاه که ثمره مبارزه سرسخت کارگران است، ملغی و به اراده کارفرما محول می‌گردد. زیرا تبصره بند "الف" تعیین چگونگی مدیریت واحد تولیدی را به عهده کارفرما می‌گذارد و کارگر حق دخالت در آن نخواهد داشت.

از همه مهترانکه تبصره بند "ب" از ماده ۴، "ید کارگر را ید امانی" می‌داند. یعنی اگر در استفاده "از ابزار کار افراط کند" مسئول است. آمارهای رسمی نشانگر آن است که هر روزدهها سانحه کار که به قطع دست و پای کارگران و در مواردی حتی به مرگ آنان منجر می‌شود و نتیجه عدم مراعات ایمنی کار از جانب کارفرمایان است، در کارگاههای ایران روی می‌دهد. پس از تصویب این لایحه، کارفرمایان با استناد به "افراط" کارگر در استفاده از ابزار از پرداخت خسارت سوانح کار خودداری خواهند کرد.

فعالیت بخش خصوصی در کشاورزی

این بخش از لایحه، نه تنها هرگونه اصلاحات ارضی را نفی می‌کند، بل در عین حال مظهر احیاء نظام ارباب - رعیتی در کشور است. لایحه در بخش فعالیت بخش خصوصی در کشاورزی، در مجموع خود بر مالکیت زمین داران بزرگ صحه می‌گذارد.

ماده ۱۲، زمینی را که در اصل موات بوده و آنرا احیاء و آباد نموده‌اند و در حال حاضر دایر و مورد بهره برداری مالک است، ملک احیاء کننده اعلام می‌کند.

به موجب ماده ۱۲، زمین مواتی که احیاء و سپس بصورت بایر و یا موات درآمد، ولی مالک آن از آن اعراض نکرده است، "از ملک مالک خارج نمی‌شود و در تمام آثار مالکیت، حکم اراضی دایر را دارد".

در ماده ۱۵ گفته میشود: "زمین کشاورزی از هر نوع چنانچه بدون عذر موجه بایر بماند چنانچه دولت اسلامی کشت آنرا بمنظور مایحتاج عمومی و یا سایر مصالح عامه لازم تشخیص بدهد مالک را الزام به کشت آن می‌کند و چنانچه مالک استنکاف نماید، دولت می‌تواند در زمان استنکاف زمین را از طرف مالک اجاره بدهد و مال الاجاره را در اختیار مالک قرار دهد".

بدینسان جمهوری اسلامی حتی حاضر نیست زمینی را که مالک حاضر به کشت آن نیست، در اختیار دهقانان کم زمین و بی زمین بگذارد و دولت را موظف می‌کند تا نقش مباشر مالک را در روستاها بعهده بگیرد. بقیه در صفحه ۶

در زمینه سرمایه گذاری‌های بخش خصوصی در مسکن نیز، رژیم ج.ا. شیوه "باز و بفروش" دوران ستمشاهی را با سرعت احیاء می‌کند. به موجب آمارهای که میرحسین موسوی ارائه داد، کل سرمایه گذاری بخش خصوصی در امر مسکن از ۳۲۰ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۱ به ۸۲۰ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۲ افزایش یافته است. نخست وزیر رژیم، بدون ذره ای شرم می‌گوید، "این بدین معنی است که کار مسکن در دست مردم است" (اطلاعات، ۱۳۰/۱۱/۲۰). سرمایه‌دارانی که طی یکسال ۳۲۰ میلیارد ریال سرمایه گذاری می‌کنند، ارتباطی با مردم ندارند.

هم اکنون ۸۵٫۸ درصد از کل کارگاههای صنعتی بزرگ که هر کدام بیش از ۱۰ نفر کارگر دارند، متعلق به بخش خصوصی است و سهم عمده گروه خدمات (که سهم آن در درآمد ملی از ۵٫۲ درصد در سال ۱۳۵۶ به ۵۸ درصد در سال ۱۳۶۲ رسید و بیانگر واپس ماندگی اقتصادی کشور است) به بخش خصوصی تعلق دارد.

با این وجود، موسوی می‌گوید: "... ما با تکیه بر فرمایشات امام که دائم تکیه بر مستضعفان و محرومان داشته‌اند، می‌بینیم وقتی ایشان بخش خصوصی را مطرح می‌کنند، مسئله تداول ثروت را مطرح نمی‌کنند، مسئله حق دادن به زراندوزان را مطرح نمی‌کنند، بلکه بخش خصوصی برانگیخته و برخاسته از میان محرومین و متعلق به همین محرومین را مطرح می‌کنند" (همانجا).

آن کدام بخش خصوصی برانگیخته و برخاسته از میان محرومین است که به گفته وزیر صنایع سنگین فقط در یک فقره ۵۰ میلیون تومان سرمایه گذاری می‌کند؟

به موجب آمارهای که در سمینار بحث و بررسی پیرامون تورم ارائه شد، میزان نقدینگی بخش خصوصی از ۲۰۹۷ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۸ به ۹۰۰۰ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۲ افزایش یافته است (اطلاعات، ۱۳۰/۱۱/۲۲). اگر این افزایش سرسام آور و بی سابقه در تاریخ معاصر ایران "تداول" ثروت نیست پس چیست؟ در قاموس خمینی و نخست وزیرش صاحبان این ثروت بیکران بخش خصوصی "برانگیخته و برخاسته از میان محرومین" هستند. روزگاری اسداله اعلم نوکر خانه زاد شاه به سرمایه‌داران گفت: "ما کاری بشما نداریم، ما فقط نقش روغن چرخهای اقتصاد کشور را ایفا می‌کنیم" (تهران اکونومیست، بهمن ماه ۱۳۶۱). "دولت خدمتگزار" هم این وظیفه را در قبال سرمایه‌داران ایفا می‌کند.

لایحه ضد کارگری

ماده ۲، "لایحه حدود و شیوه فعالیت بخش خصوصی" عوامل تولید را در صنعت به نیروی کار، ابزار تولید، مواد اولیه و زمین و تاسیسات

با ایجاد شرایط مناسب، "از قبیل فروش یا اجاره ابزار تولید و ماشین آلات مشابه دیگر و تحویل مواد خام و عرضه کردن خدمات و تسهیلات دولتی" به کارگاههای تولیدی و بخش خصوصی کمک کند.

در ماده ۸ گفته می‌شود: "دولت مکلف است از سرمایه گذاریهای صنعتی لازم و مفید در نقاط محروم حمایت خاص نموده و در اولویت قرار دهد".

بدینسان، "اقتصاد اسلامی" در مسئله تمرکز و تراکم سرمایه و تولید (نه جلوگیری از انحصار که لایحه مدعی آن است) حتی گوی سبقت از دوران ستمشاهی می‌رباید. زیرا لایحه دولت را موظف می‌کند تا وسایل تولید و مواد خام و غیره را راسا در اختیار سرمایه‌داران بگذارد و از سرمایه‌گذارها نیز که عملاً جز سرمایه‌گذارهای دولتی به شکل اعتبار مالی نخواهد بود، حمایت بکند.

مواد لایحه مزبور حتی بدون اینکه شکل قانونی گرفته باشد، از مدتها پیش به موقع اجرا گذارده شده است. اعتبارات بانکی به بخش خصوصی در سال ۱۳۶۱ به ۲۳۸۷٫۶ میلیارد ریال رسید که نسبت به سال ۱۳۵۷ حدود ۵۸٫۶ درصد رشد را نشان میدهد (اطلاعات ۱۳۰/۱۱/۲۲). در سال ۱۳۶۲ خواست وام صنعتی از بانک صنعت و معدن، از طرف بخش خصوصی نسبت به سال ۱۳۶۱ حدود ۲۰ درصد افزایش یافته است (اطلاعات، ۱۳۰/۱۱/۲۰).

یکی از دلایل هیئت حاکمه در تسریع تصویب (لایحه فعالیت تولیدی بخش خصوصی در صنعت"، استفاده از "سرمایه‌های سرگردان" متمرکز در دست کلان سرمایه‌داران بود که طبق آخرین آمار به ۹۰۰ میلیارد تومان بالغ است. ولی پیکره‌های فوق‌الذکر نشانگر آنست که بکار گرفتن "سرمایه‌های سرگردان" بهانه‌ای بیش نیست و بخش خصوصی در صنعت، بطور عمده از اعتبارات دولتی، یعنی به حساب مردم، تغذیه می‌کند.

تا پایان سال ۱۳۶۲، تعداد ۱۳۲۲۹ موافقت اصولی با سرمایه ۷۰۱۱۵۲ میلیون ریال فقط توسط وزارت صنایع صادر شده که اکثر مربوط به بخش خصوصی است. به اعتراف نخست وزیر رژیم، "سرمایه‌گذاری بر اساس پروانه‌های بهره‌برداری از واحدهای جدید و یا توسعه یافته که بخش اعظم آن مربوط به بخش خصوصی است ۹۸ درصد نسبت به سال ۶۱ رشد کرده است" (اطلاعات، ۱۳۰/۱۱/۲۰).

طبق آمار وزارت صنایع سنگین، از ابتدای سال ۱۳۶۲ تا اول بهمن ماه ۱۳۶۲ جمعا ۴۱۹۶ فقره موافقت نامه اصولی با سرمایه گذاری ثابت بالغ بر ۱۵۵۸ میلیارد ریال صادر شده که ۱۳۴/۴ میلیارد ریال و یا ۸۰ درصد کل سرمایه‌گذاری در صنایع سنگین، به بخش خصوصی اختصاص یافته است (اطلاعات، ۱۳۰/۱۱/۲۸).

"لایحه حدود و شیوه فعالیت"

بقیه از صفحه ۵

زمین دایر یا بایرمجهول المالکی که "اعراض مالک" از آن ثابت نشده است (طبق ماده ۱۴)، "به اجازه حاکم شرع است و با اجاره یا خرید از حاکم شرع قابل بهره برداری است". طبیعی است این گونه زمین ها نیز در درجه اول به مالکان بزرگ فروخته خواهد شد.

زمین خراجی، یعنی زمینی که بصورت آباد مانند شهرها، روستاها، مزارع و باغات از "غیرمسلمین" در جنگ به غنیمت گرفته میشود (چنین زمینی وجود خارجی ندارد)، زمین موات اصلی که هیچگونه سابقه آبادانی نداشته، زمین مواتی که سابقه آبادانی در گذشته خیلی دور داشته و بالاخره چمن زارها، مراتع، جنگل ها و زمین هایی که بی نیاز به اصلاحی قابل کشت و زرع است و هیچگونه تملک ندارد، جزء انفال و اموال حکومت اسلامی محسوب میشود و بموجب ماده ۱۱ "اختیار آن با والی مسلمین است و با اجازه ولی امر مسلمین نمیتوان آنرا با احیاء تملک کرد".

به بیان دیگر این زمین ها از مالکیت دولت به مالکیت فردی بنام "ولی امر مسلمین" انتقال می یابد و او حق دارد حتی مراتع و جنگل ها را در اختیار مالکین بگذارد.

در ماده ۲۸ گفته میشود، کافی است فردی زمین مواتی را با کشیدن سیم خاردار و با سنگ چینی و حفر چوبی مرز بندی کند و اعلام دارد که درصد احیاء آن است، بخودی خود مالک زمین شناخته خواهد شد. این ماده هم راه را برای تملک زمین های موات برای مالکان بزرگ هموار می سازد. زیرا مرزبندی بطریقی که ماده ۲۸ تعیین کرده نیاز به سرمایه گذاری (علاوه بر سرمایه گذاری کلان برای احیاء زمین) دارد. چنین افرادی در شرایط کنونی فقط و فقط صاحبان ثروت اند.

ماده ۲۶، عوامل تولید در کشاورزی را عبارت از بذر، زمین، کار و ابزار می داند. طبق ماده ۲۷، اگر مالک عوامل چهارگانه تولیدکننده باشد، محصول متعلق به مالک است. در اینگونه زمین ها کشاورز به عنوان مزدور کار خواهد کرد.

ماده ۲۸، حاکمیت در صورتیکه مالک بذر "مالک زمین و سایر عوامل تولید یا بعض آن" نباشد می توان از اجاره یا مزارع استفاده کند. این ماده احیاء نظام ارباب - رعیتی گذشته است. زیرا دهقان بی زمین در ایران، معمولاً صاحب بذر و ابزار تولید نیز نیست. یکانه ثروت زارع نیروی کار اوست. بنا بر این به موجب ماده ۴۲، زارع متعهد میشود زمینی را که از مالک اجاره کرده است، در ازای سهمی برابر یک عامل از چهار عامل و بطور مشخص به اتکاء نیروی کار خود، کشت کند. تازه سهم زارع تنها وابسته به این چهار عامل نیست. ماده ۴۷ اجاره کننده زمین را موظف می سازد که سهم قیمت آب، کود و سم را باید نقداً به مالک بپردازد. بدین طریق زارع در جمهوری اسلامی به برده مالک

تبدیل میشود.

تسریع احیاء
نظام سرمایه داری وابسته

"لایحه حدود و شیوه فعالیت تولیدی بخش خصوصی" کام جدیدی است برای تسریع احیاء نظام سرمایه داری وابسته و پیامدهای مخرب آن که در دوران ستمشاهی از محک آزمایش گذشته است.

در این لایحه گفته میشود که فعالیت بخش خصوصی در کلیه صنایعی که قانون اساسی آنها را در اختیار دولت قرار نداده است، با رعایت قوانین مربوطه، آزاد است. چند روز قبل از تصویب کلیات این لایحه، روزنامه "بورس" نوشت: "برحسب اصول قانون اساسی، کارهای تولیدی سنگین که جنبه استراتژیک دارد باید از طرف دولت انجام شود، ولی امور دیگر را بخش خصوصی باید انجام دهد. روزنامه، در اثبات این نظر به فقها استناد کرد که بسیاری از آنها "صریحاً اعلام داشته اند در اسلام برای سرمایه های حلال حد و مرزی تعیین نشده" و صاحبان سرمایه باید مورد تشویق و ترغیب قرار گیرند" (بورس، ۵/۱/۶۲).

یکی از این فقها خود خمینی است. شوشتری، مخبر کمیسیون امور قضایی و حقوقی، ضمن سخنرانی در مجلس در دفاع از لایحه فعالیت بخش خصوصی در صنعت و کشاورزی اظهار داشت: "می توان گفت این لایحه ترجمه رساله امام است" (اطلاعات، ۲۶/۱/۶۲).

دهقان، نماینده مجلس، در دفاع از این لایحه گفت: "اسلام می گوید بگذارید مردم کار و کسب خود را بکنند. تجربه ثابت کرده است که دولت بر هر جا دست گذاشته وضع بدتر شده است... تمام استدلالتی که ما در مقابل "کاپیتال" مارکس و نظریه جنبش ها ارائه می داریم، همین موادی است که در لایحه آمده بوده است. ما باید دست بخش خصوصی را باز بگذاریم و کاری به کار مردم نداشته باشیم تا انشاءالله مدینه فاضله حکومت اسلام در نظر گرفته شود" (همانجا).

چه فرقی میان حکومت اسلامی و مدینه فاضله روحانیون حاکم با حکومت شاهنشاهی و "دروازه های تمدن بزرگ" شاه در مقابله با "کاپیتال" مارکس وجود دارد؟

در مهرماه ۱۳۴۴، محمد یگانه، معاون وقت اقتصادی وزارت اقتصاد، ضمن سخنرانی در بانک مرکزی گفت، در کشور ما دولت "نقش توسعه صنایع را به عهده بخش خصوصی گذاشته و دولت فقط اجرای طرحهایی را به عهده می گیرد که برای آنها حق تقدم قائل است و بخش خصوصی قادر به ایجاد آن نیست".

۱۹ سال بعد، روزنامه "بورس" عین همان نظر را در لغافه نظر فقها و از جمله خمینی به عنوان نظریه اسلامی عرضه می دارد. همین روزنامه مسئله همکاری بخش خصوصی و بخش دولتی را هم به مثابه یک اصل اسلامی مطرح می سازد.

اگر این یک اصل اسلامی است، به چه علت

هویدا نخست وزیر شاه را به اتهام "مفسد فی الارض" و "محارب با خدا" اعدام کردید؟ وی در مهرماه ۱۳۵۴، طی سخنرانی در کنفرانس بازار پول و سرمایه که با حضور مدیران و کارشناسان بانکداری، بیمه و بورس انگلستان تشکیل شده بود، برای جلب نظر سرمایه داران بزرگ داخلی و انحصارهای خارجی گفت: "برنامه های توسعه اقتصادی این کشور براساس همکاری نزدیک بخش دولتی و بخش خصوصی استوار است، و در واقع باید گفت که یکی مکمل دیگری است" (تهران اکونومیست، ۲۶ مهر ۱۳۵۴).

دولت ج.ا. نیز همین راه را در پیش گرفته است. یکی از علل طرح "لایحه حدود و شیوه فعالیت تولیدی بخش خصوصی" در مجلس و تصویب سریع کلیات آن، جلب توجه انحصارهای خارجی به سیاست اقتصادی - اجتماعی ارتجاعی رژیم است. سران ج.ا. که میهن ما را در آستانه ورشکست مالی قرار داده اند و نیاز مبرم به "الطاف" انحصارهای امپریالیستی دارند، می خواهند به آنها ثابت کنند که در زمینه اجتماعی - اقتصادی آنها هم از نسخه بانک جهانی ترمیم و توسعه و صندوق بین المللی تجویز شده برای رژیم شاه، تبعیت می کنند.

پایان سخن

برخلاف ادعای روحانیون حاکم، وجود دو بخش دولتی و خصوصی، با محتوایی که در این تحلیل نشان دادیم، به معنای "نظام اقتصاد اسلامی"، راه رشد و الگوی اقتصادی نوین نیست، بلکه همان راه رشد سرمایه داری وابسته به ارث رسیده از رژیم شاه است. باز مانند گذشته، بخش دولتی نقش ایجاد شرایط مادی و فنی و مالی و اقتصادی برای تقویت و تحکیم مواضع کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی را به عهده گرفته است. و از این راه به تسریع تمرکز و گردآینی سرمایه و تولید و مالا به گسترش مناسبات تولید سرمایه داری یاری می رساند.

دولت با قرار دادن تولید سود آور در اختیار بخش خصوصی و فروش کارخانه های دولتی به آنها، به انباشت ثروت در دست اقلیت محدود کمک کرده و به تقویت پنبه مالی بخش خصوصی می پردازد و در نتیجه به تدریج شرایط تضعیف بخش دولتی را فراهم می آورد. پی آمد مخرب این سیاست ضد ملی، هرچه ژرفتر شدن ورطه فقر و ثروت در جامعه است. این روند هم اکنون در جامعه ما با شدت و حدت ادامه دارد.

فعالیت بخش خصوصی در کشاورزی، شرایط تسریع قشربندی دهقانان را فراهم ساخت (بدون آنکه معضل دهقانی و ارضی را حل کند). این روند در آینده با گسترش مناسبات سرمایه داری، شدت بیشتری خواهد یافت. قشربندی در روستاها، بطور عمده در جهت بسط بیشتر بورژوازی ده و فقر روزافزون زمینداران کوچک و متوسط و افزایش تعداد کارگران کشاورزی انجام خواهد گرفت.

بخش دولتی وقتی می توانست به عامل قاطع رشد اجتماعی - اقتصادی مبدل گردد که اصل ۴۴ بقیه در صفحه ۸

تشدید پیکار ملی خلق کرد و ضرورت اتحاد نیروهای ملی و دمکراتیک

آقای خامنه‌ای در جریان دیدار با نیروهای سرکوبگر رژیم در کردستان ضمن تمجید از قساوتها و جنایت‌های چند ساله آنان علیه خلق ستم‌دیده کرد گفت: "با دست شما رژیمندگان عزیز و با کمک ملت ایران تمام ریشه‌های فساد را در کردستان قلع و قمع خواهیم کرد". رئیس جمهور که با عینک ارتجاعی و اوپورنه‌نای خود به رویدادهای اجتماعی کشور می‌نگرد و از اینرو به کانونهای انقلابی در کردستان، لقب ریشه‌های فساد می‌دهد فراموش می‌کند که همواره پویزه‌طی چند ماه اخیر دست اندرکاران رژیم بکرات از برقراری حاکمیت مطلق ج.ا. در منطقه و قلع و قمع کامل رژیمندگان کرد سخن گلته‌اند.

سؤال اینست که اگر ادعای پاکسازی کامل منطقه از وجود مبارزان کرد ریشه‌در واقعیت دارد در آن صورت تدارک عملیات نظامی سرکوب پیکارگران کرد برخاسته از کدام ضرورت است؟ اظهارات اخیر خامنه‌ای درباره وضع و رویدادهای کردستان علاوه بر آنکه دگر بار ماهیت ارتجاعی و خوی ددمنش‌رژیم را بر ملا می‌سازد اعتراف به این واقعیت نیز هست که پرچم رژیم خلق کرد در راه دستیابی به آرمانهای ملی مانند همیشه برفراز کردستان در اهتزاز است و ادعای زعمای ج.ا. مبنی بر ریشه‌کنی نیروهای مترقی کرد دروغ و عوام‌فریبی سالوسانه‌ای پیش نیست.

با گذشت شش سال از پیروزی انقلاب و عدم تحقق هیچیک از خواستها و حقوق ملی خلق کرد-

پیکار متحد و یکپارچه، تنه‌راه پایان دادن به جنگ

بقیه از صفحه ۱

سران ج.ا.، نمایندگان مجلس و دیگر ارگانهای قدرت در کشور، برای ارضاء تمایلات غیرانسانی و توسعه طلبانه رژیم "ولایت فقیه"، همچنان از طریق بلندگوهای تبلیغاتی، به تحریک احساسات مردم برای ادامه جنگ و انحراف افکار عمومی از بحران دم افزون اجتماعی - اقتصادی می‌پردازند. آنها از سوی جوانان و دانش آموزان کم سن و سال رادر چپه قربانی می‌کنند و از سوی دیگر میلیاردها دلار ثروت‌های ملی و بخش اعظم بودجه کشور را برای خرید جنگ افزار به دامان انحصارات امپریالیستی می‌ریزند.

رژیم "ولایت فقیه" برای تحمیل سیاست ادامه جنگ با ایجاد چو رعب و وحشت در داخل کشور، از طریق عوامل و ارگانهای سرکوب و اختناق، تلاش می‌کند تا هر زبان صلح طلبی را از حلقوم بیرون بکشد. در چهارچوب این سیاست ضد مردمی تا کنون دهها هزار از اصیل ترین چهره‌های انقلابی و میهن پرستان کشور دستگیر و تحت شکنجه‌های وحشیانه قرار گرفته و صدها نفر تیرباران شده‌اند.

که در راه آنها سالیان متمادی پیکار کرده است - زمینۀ عینی گسترش و توانمندی نهضت رهایی ملی در کردستان بیش از پیش‌نضح گرفته و خلق پیاخته کرد با عزم راسخ به مبارزه عادلانه خود ادامه می‌دهد. هیچکدام از طرف‌دها و توطئه‌های ج.ا. قادر به انقیاد مردم ستم‌دیده کردستان نشده و نخواهد شد. جنگ تمپیلی شش ساله، قتل و کشتار مردم بیگناه، بمباران بیرحمانه روستاهای بیدفاع، کوچاندن اجباری روستائیان و همکاری با ترکیه عضو پیمان تجاوز کارنا تودر سرکوب رژیمندگان کرد، بمنظور خاموش کردن شعله پیکار ملی خلق کرد با ناکامی مواجه شده است.

واقعیت برهسته‌ای که امروز در کردستان خودنمایی می‌کند عبارت است از تشدید نبرد خلق کرد علیه ج.ا. که با قساوت و بیرحمی تمام خون مردمی را که یگانه "گناهشان" نبرد در راه کسب حقوق ملی است در شیشه کرده است. برای اثبات این گفته لزومی به بازگو کردن رویدادهای کردستان از زبان نیروهای مترقی نیست زیرا واقعیت انزجار مردم کردستان از حاکمیت و عزم آنها به رژیم علیه آن چنان عیان و نیرومند است که حتی سردمداران رژیم نیز علیرغم تلاش برای کتمان حقایق قادر به پرده‌پوشی کامل آن نیستند. وزیر کشور در پاسخ به سئوالات "نماینده" بوکان در مجلس، پیرامون برخی مسائل مربوط به کردستان گفت: "نمایندگان کردستان در جریان اجر قرار

حزب توده ایران، که پس از آزادی خرمشهر و استقرار نیروهای ایرانی در مرزهای مورد توافق دو کشور، اولین نیروی سیاسی بود که رسماً خواستار قطع جنگ و حل عادلانه این مسئله از طریق مذاکره میان دو کشور شد و در این راه ضربات سهمگینی را متحمل گردید، همچنان براین موضع پای می‌نهد و از همه زحمتکشان، جوانان، دانشجویان، زنان و نیروهای مبارز و مترقی کشور می‌خواهد تا دوش به دوش هم، مبارزه متحد و یکپارچه خود را علیه سیاست ضد مردمی و توسعه طلبانه سران ج.ا. و برای پایان دادن به جنگ، کشتار جوانان و مردم بیگناه، ویرانی شهرها و مناطق مسکونی، بمباران مراکز بزرگ تولیدی صنعتی و کشاورزی و... گسترش دهند.

مادر حین محکوم کردن بمباران شهرها و اهالی بیدفاع، باردیگر خاطرنشان می‌سازیم که سیاست "جنگ فرسایشی" به معنی رو در رو قراردادادن صدها هزار نیروهای مسلح دو کشور، روز به روز بر دامنه بی‌آمدهای مخربی که در این روزها ناظر آن هستیم می‌افزاید. مردم ایران خواهان پایان دادن به این جنگ بی‌حاصل و خانمان براندازند. صلح عادلانه بر پایه احترام متقابل به تمامیت ارضی دو کشور و عدم دخالت در امور داخلی، خواست مردم ایران و عراق است و باید هرچه زودتر تحقق یابد.

دارند و من می‌دانم مسائلی که آقای حسینی دارند چه است. اما اجازه می‌خواهم از رییس مجلس و نمایندگان محترم، بخاطر اینکه یک‌سری مسائلی هست فیما بین ایشان و منطقه و همان چیزیکه خودایشان اشاره کردند که آنجا تحریکاتی صورت گرفته و مردم جلوی فرمانداری و بخشداری آمدند و شیشه‌ها را شکستند و با توجه به حساسیت منطقه و وضع آنجا و مشکلاتی که ما از نظر سیاسی - امنیتی داریم. درخواست من این است که من در اینجا هیچ پاسخی ندم زیرا ممکن است از پاسخ‌ها سوءاستفاده شود و بصلاح ایشان هم نیست که من مسائل را در اینجا بگویم در خواست می‌کنم که سؤال به کمیسیون سئوالات ارجاع شود و در کمیسیون آزادتر مسائل را بگویم" (کیهان ۱۲ بهمن ۶۲).

هرچند آقای ناطق‌نوری به دلیل هراس حاکمیت از روشن شدن حقایق در پیشگاه مردم ایران و افشاء جنایات ارگانهای سرکوبگر ج.ا. در کردستان از پاسخ به سئوالات نماینده بوکان و بازگو کردن واقعیت خودداری کرد اما همین اعتراف گویای آن است که اولاً خلق کرد تحت شدیدترین فشار سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و ستم ملی بسر می‌برد. ثانیاً، برای رهایی از زنجیر اسارت ج.ا. به پیکار ادامه می‌دهد. ثالثاً، رژیم از این نبرد که بیش از پیش قوت می‌گیرد، وحشت دارد و لذا به بیرحمانه‌ترین وجهی سعی در سرکوب آن دارد.

در شرایط حاضر نبرد خلق کرد برای پایان دادن به محرومیت‌های دیرینه ملی با پیکار سراسری زحمتکشان و اقشار مترقی علیه ارتجاع و امپریالیسم گره خورده است. تامین نیازهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی توده‌های میلیونی زحمتکش، پایان بخشیدن به سلطه اهریمنی بزرگ مالکان و کلان سرمایه‌داران و انحصارات یغماگر امپریالیستی بر اقتصاد کشور. دستیابی به استقلال میهن و کام نهادن در شاهراه ترقی و تکامل اجتماعی که اهداف عمده نبرد سراسری خلق‌های میهن است و رهایی از محرومیت ملی که هدف نهضت ملی کردستان است هر دو یک مانع عمده دارند؛ ارتجاع حاکم بر کشور.

بر شالوده این زمینۀ عینی مشترک است که می‌توان و باید به امر حیاتی اتحاد عمل نیروهای ملی و دمکراتیک جامه عمل پوشاند. درست است که دست حاکمیت در پیشگاه مردم باز شده و روند روی گردانی توده‌ها از آن صورت پذیرفته و می‌پذیرد. اما از این نکته اساسی نیز نمی‌توان و نباید غافل ماند که تنها در پرتو چپه واحد نیروهای مترقی می‌توان با موفقیت، وظیفه خطیر تجهیز و تشکل توده‌ها و رهبری آنها را در مبارزه برای آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی و صلح به انجام رساند.

حزب ما با این ارزیابی حزب دمکرات کردستان کاملاً موافق است که "سرنوشت خلق کرد با سرنوشت خلق‌های ایران پیوند ناگسستنی دارد" و "بدون همکاری و همبازی کلیه خلق‌های ایران و نیروهای سیاسی و مبارز و مترقی

پیام شادباش به جشنواره ارگان کمونیستهای برزیل

رفقای ارجمند

درودهای گرم و برادرانه ما را به شرکت کنندگان جشنواره "وس دا اونیداده" (صدای وحدت) که همزمان با پنجمین زادروز این هفته نامه و شصت و سومین سالگرد پایه گذاری حزب کمونیست برزیل برگزار میشود، برسانید. این رویداد از آن جهت دارای اهمیت ویژه است، که مرحله سرنوشت سازی را در کارزار برای قانونی ساختن حزب کمونیست برزیل آغاز

می نهد.

ما اعتقاد عمیق داریم، که حزب کمونیست برزیل، که دهه ها با امپریالیسم و ارتجاع و در راه دمکراسی و پیشرفت اجتماعی رزمیده است، می باید باردیگر جای شایسته خویش را در روند برقراری دمکراسی در کشورتان بیابد. همبستگی صمیمانه خود را با شما ابراز می داریم. کمیته مرکزی حزب توده ایران

خلاصه ای از یک گزارش در باره زندانهای تبریز

بقیه از صفحه ۳

پای رفیقی بکلی ریخت... در اثر فشارهای روانی وعدم وجود بهداشت و هوای کافی، بخصوص در زیرزمین جاده "اژگلی" و "منظریه" تقریباً کمتر کسی بود که مریض نشده باشد. بیشتر زندانیان توده ای بیماری پوستی گرفتند. فشارهای روانی در بعضی ها موجب پیدا شدن عوارض روحی خاصی شده بود. کاربعضی ها به بیمارستان کشید. در آن حال نیز بازجوها و دیگران دست از سرزندانی بر نمی داشتند و به عنوان گوناگون آنها را مورد اذیت و آزار قرار می دادند. خیلی ها دچار کم خوابی شدید شده بودند...

کوچکترین بهانه ای موجب می شد که به زندانی دستبند معکوس (قبانی) بزنند و انواع تعزیر و تنبیه را در حق او اعمال کنند. بازجوها برای شکستن روحیه زندانی، تهدیدش می کردند که او را با چشم بند و بدون ملاقات سالها نگاه خواهند داشت و له خواهند کرد...

اجمالاً این چوی بود که بر زندان حاکم بود و باوجود همه فشارهای جسمی و روانی و شکنجه هایی که وجود داشت روحیه غالب بر زندانیان توده ای این بود که در مقابل این جو دلهره و اضطراب خودشان را نبالزند، شخصیتشان را حفظ

تشدید پی کار ملی خلق کرد...

بقیه از صفحه ۷
تأمین دمکراسی امکان پذیر نخواهد بود و تا هنگامیکه دمکراسی استقرار نیابد خودمختاری که شیوه پذیرفته شده حق تعیین سرنوشت از جانب خلق کرد است تحقق پیدا نخواهد کرد" لذا تشکیل یک جبهه دمکراتیک و ضد امپریالیستی که در بر گیرنده کلیه نیروهای سیاسی مترقی باشد، ضروری است. (کوردستان، ارگان کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان، شماره ۱۰۱). از قوه به فعل درآمدن این نظر درست ضرورت مبرم روز است.

"لایحه حدود و شیوه فعالیت تولیدی بخش خصوصی"

بقیه از صفحه ۶

قانون اساسی، یعنی گسترش هرچه بیشتر فعالیت بخش دولتی و در کنار آن بخش تعاونی واقعی همراه تجدید عملکرد بخش خصوصی، مورد اجرا گذاشته می شد. در چنین صورتی بخش دولتی نه تنها تجدید تولید سرمایه خصوصی، بلکه در عین حال بهره کشی سرمایه داری را هم محدود می ساخت و موفق به تقسیم نسبتاً متعادل درآمد ملی می شد.

۱۷ دیماه، روزنامه "اطلاعات" از قول خبرنگاری نوشت: "می روم به بخش خصوصی هم آب و نان شب صدر برابر بیشتر است، هم مالیاتش صدرابر کمتر است، هم خط یک و دوسه ندارد و همه اش خط هفت است او هم اخیراً معلوم شده که به قول اصفهانی ها "خیلی هم خیس" یعنی گویا (کار در بخش خصوصی) تبدیل به یک ارزش اجتماعی شده است و کسی که پول دارد و سرمایه دارد همه از او دفاع خواهند کرد، از حریم مالکیتش گرفته تا همه آزادی های مشروع و نامحدود اقتصادی، چون حرمت و ارزش ثروت و مال مسلمان مثل حرمت و ارزش خون اوست و به این قسمت از حدیث خیلی خوب عمل شده و می شود. فقط مالکیت بر عرض و آپوست که زود خدشه دار می شود و حمایت نمی شود".

اطلاعات می پرسد: "اما چگونه است که مالکیت مسلم بر مال او (پخوان: کلان سرمایه دار و بزرگ مالک) تا این حد محترم است و مدافع و حامی دارد و کمترین محدودیتی اگر به دست دولت و هرکس دیگر (ولو به عنوان مالیات) در رابطه با آن اعمال شود اتهام کمونیسم و الحاد و سوسیالیسم والتقاط ... و دهها اتهام دیگر علم شده و هر یکی هم چون حربه ای تیز و برنده بکار می رود؟"

پاسخ این سؤال "اطلاعات" در بطن رژیم ولایت فقیه نهفته است، که "اطلاعات" خود یکی از مبلغین آن است. گردانندگان "اطلاعات" می بایست این سؤال را زودتر، یعنی هنگامیکه حزب توده ایران و دیگر سازمانهای ملی و انقلابی که به علت محکوم کردن سیاست ضد خلقی اجتماعی - اقتصادی رژیم و خواست تداوم انقلاب بسود محرومان جامعه، گروه - گروه به سیاهچالها و شکنجه گاهها کشانده شده و به چوخه های اعدام سپرده می شدند، مطرح می ساختند.

در پاسخ به "اطلاعات" می توان گفت: باش تا صبح دولتت بدند کاین هنوز از نتایج سحر است

کنند و تسلیم بازجویان و خواستهای غیر انسانی آنها نشوند...

ما در زندان کوشیدیم که با گروههای مختلف سیاسی، از دمکراتها و فدائیان و مجاهدین و دیگر نیروهای مترقی روابط دوستانه ای برقرار کنیم. لزوم اتحاد نیروهای مترقی در زندان بیشتر از جاهای دیگر حس می شود. در آنجا همه ما با یک دشمن روبرو هستیم که می کوشد بین ما تفرقه ایجاد کند و ما را به جان هم بیندازد. خوشبختانه این مسئله را دیگر نیروها هم درک کرده بودند و بجز معدودی اشخاص، دیگران در جهت ایجاد مناسبات دوستانه و زمینه بحث و گفتگو تلاش می کردند...

در زندان مسئله آموزش و تبدیل زندان به دانشگاه، نه آنطور که حکومت می گوید، بلکه آنطور که ما می خواستیم، اهمیت زیادی داشت. هرکس که چیزی می دانست می کوشید به دیگران یاد بدهد. مهمتر از همه مسئله انتقال تجربه ها به یکدیگر و کوشش برای ایجاد روحیه مقاومت در زندانیان بود...

ما در زندان آموختیم که می توان ملاقاتها را تبدیل به محیط ایجاد روحیه کرد. می توان با نامه های پر مهر کانونهای از هم پاشیده خانوادگی را به آینده امیدوار کرد... و می توان وقت را در زندان تنظیم کرد و به هدر نداد...

اکثریت زندانیان توده ای تبریز، بخصوص رده های بالاتر، هنوز پلاتکلیف اند و محاکمه آنها شروع نشده است. تعدادی از زندانیان در اثر فشار افکار عمومی بتدریج از زندان آزاد شده اند و ۲۶ نفر بشرح زیره بیش از دوست سال زندان محکوم شده اند:

۱ نفر پانزده سال، ۶ نفر هریک ۱۰ سال، ۵ نفر، هر یک ۸ سال، ۲ نفر، هریک ۷ سال، ۴ نفر، هریک ۶ سال، ۲ نفر، هریک ۴ سال، ۲ نفر، هریک ۳ سال، ۹ نفر، هریک ۲ سال، ۱ نفر، ۲۰ ماه، ۱ نفر، ۱ سال.

آخرین نفر زندانی چهارده ساله ای است با یک دنیا وقار و متانت و فهم و شعور. اگر درک و شعور و انسانیت این نوجوان را عمال رژیم داشتند مردم اینطور سیه روز نمی شدند.

جنگ عامل تشدید کننده بحران اقتصادی، وابستگی، استثمار کارگران و دهقانان،
بیکاری روز افزون، گرانی، آوارگی و بی خانمانی است!